

مبسوط در اصول فقه

www.ketab.ir

دکتر هوشنگ گل محمدی

(عضویت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب)



ISBN: 978-622-7538-63-2



سرشناسه :	گل محمدی، هوشنگ، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور:	مبسوط در اصول فقه [کتاب] / تالیف هوشنگ گل محمدی.
مشخصات نشر :	تهران : علم و دانش ، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری :	۶۰۲ ص.
شابک :	۹۷۸-۶۲۲-۷۵۳۸-۶۳-۲ :
یادداشت :	فیبا
یادداشت :	کتابنامه: ص. [۳۲۳] - ۳۳۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت :	نمایه.
موضوع :	حقوق اسلامی-- فقه -- تفسیر
موضوع :	Islamic law -- Interpretation and construction
رده بندی کنگره :	BP۱۹۱/۱/گ۸ب۴ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی :	۲۹۷/۳۷۲
شماره کتابشناسی ملی :	۸۶۵۴۱۴۸

www.ketab.ir



نام کتاب • مبسوط در اصول فقه
نویسنده • هوشنگ گل محمدی
ناشر • علم و دانش
نوبت چاپ • اول، ۱۴۰۰
چاپ • علم و دانش
تیراژ • ۵۰۰ جلد
صفحه آرای • محمد فاضل گل محمدی
طراح جلد • سید کبیر شیخ الاسلامی شیراز
قیمت • ۱۸۰ هزار تومان
شابک • ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۳۸-۶۳-۲

آدرس: تهران، میدان انقلاب، بین خیابان اردیبهشت و ۱۲ فروردین پاساژ اندیشه، طبقه همکف

تلفن: ۶۶۴۱۵۴۶۰-۶۶۴۱۵۴۵۹ موبایل: ۰۹۱۲۳۵۸۷۶۰۵

ایمیل: teymori_۱۳۵۵@yahoo.com

سایت: www.elmo-danesh.ir

فهرست

۲۵	مقدمه
۲۹	سازماندهی مباحث
۳۱	بخش اول: کلیات و مفاهیم
۳۲	فصل اول: تاریخچه اصول فقه
۳۳	الف: پیدایش علم اصول
۳۴	ب: ادوار علوم اصول
۳۴	۱- دوره اول: دوره تأسیس
۴۴	۲- دوره دوم: دوره تصنیف
۵۰	۳- دوره سوم: دوره اختلاط
۵۴	۴- دوره چهارم: دوره کمال و استقلال
۵۶	۵- دوره پنجم: دوره رکود استنباط
۵۹	۶- دوره ششم: دوره نهضت مجدد
۶۱	۷- دوره هفتم: دوره ضعف و فتور علم اصول
۶۳	۸- دوره هشتم: دوره جدید
۶۵	فصل دوم: مکتب های اصولی
۶۶	۱- فرق مذهب با مکتب
۶۶	الف: مذهب
۶۶	۲- مذهب های مشهور اسلام
۶۸	ب: مکتب
۶۹	۳- مکتب های مختلف

- ۴- مکتب فقیهان و مکتب متکلمان..... ۶۹
- الف: مکتب فقیهان..... ۶۹
- ب: فقیهان بزرگ..... ۷۰
- ج: مکتب متکلمان..... ۷۱
- د: مؤلفان بزرگ مکتب متکلمان..... ۷۱
- ۵- مکتب اخباری و مکتب اصولی..... ۷۲
- ۶- اختلاف مجتهد و اخباری..... ۷۳
- ۷- رابطه‌ی اجتهاد، با اصول فقه و فقه..... ۱۰۱
- فصل سوم: تعریف اصول فقه..... ۱۰۷
- تعریف اصول فقه..... ۱۰۸
- الف: فقه..... ۱۰۸
- ۱- فقه در لغت..... ۱۰۸
- ۲- فقه در اصطلاح..... ۱۱۱
- ۱- علم..... ۱۱۲
- ب: اصول..... ۱۱۷
- ۱- اصل در لغت..... ۱۱۷
- ۲- اصل در اصطلاح..... ۱۱۸
- ۲-۱- اصل، در برابر فرع..... ۱۱۸
- ۲-۲- اصل به معنی راجح و ظاهر..... ۱۱۹
- ۲-۳- اصل به معنی دلیل..... ۱۱۹
- ۲-۴- اصل به معنی قاعده..... ۱۱۹
- ۲-۵- اصل به معنی تشخیص احکام ظاهری..... ۱۲۱
- ج: اینک تعریف اصول فقه..... ۱۲۱

- ۱۲۲..... ۱- کلمه‌ی «علم»
- ۱۲۲..... ۲- کلمه‌ی «قواعد»
- ۱۲۳..... ۳- کلمه‌ی نتیجتها
- ۱۲۳..... ۴- کلمه‌ی «استنباط»
- ۱۲۵..... الف: مصادیق رجوع
- ۱۲۸..... ب: ثقلین
- ۱۳۰..... ج: وجوب استنباط و رجوع به مرجع اعلم و اتقی
- ۱۳۲..... د: انواع استنباط
- ۱۳۴..... ۵- کلمه‌ی در طی طریق استنباط
- ۱۳۷..... ۶- اشکال تعریف مشهور
- ۱۴۴..... ۷- نظر نگارنده
- ۱۵۲..... نظر نگارنده
- ۱۵۳..... فصل چهارم: موضوع اصول فقه
- ۱۶۱..... فصل پنجم: غایت اصول فقه
- ۱۶۵..... فصل ششم: کاربرد اصول فقه
- ۱۶۷..... ۱- فهم و تحلیل درست قوانین برگرفته از فقه
- ۱۶۸..... ۲- استفاده‌ی صحیح از منابع فقهی به عنوان مستند حکم دادگاه
- ۱۶۸..... ۳- فهم و تحلیل درست قوانین مبتنی بر قواعد اصول فقه
- ۱۶۹..... ۴- استفاده از قواعد اصولی در استنباط‌های حقوقی
- ۱۷۲..... ۵- نظر نگارنده
- ۱۷۵..... فصل هفتم: چگونه لفظ وسیله‌ی انتقال معانی و مفاهیم است؟
- ۱۷۶..... الف: تعریف دلالت
- ۱۷۷..... ب: اقسام دلالت
- ۱۷۸..... ۱- دلالت عقلی

مقدمه

الحمد لله، الَّذِي هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ، وَ خَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ، وَ وَفَّقَنَا لَطَاعَتِهِ، وَ الصَّلَاةَ وَ السَّلَامَ عَلَى رَسُولِهِ الَّذِي مَنْ
الله بِهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ، وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ
الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ.

وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، وَ الَّذِينَ بَدَّلُوا أَنْفُسَهُمْ فِي مَرْضَاتِهِ،
وَ صَبَرُوا عَلَى مَا أَصَابَهُمْ فِي جَنَّتِهِ، وَ جَاهَدُوا فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنُوا دَعْوَتَهُ، وَ بَيَّنُّوا فَرَائِضَهُ، وَ
نَشَرُوا شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، وَ قَفَّهُوا فِي الدِّينِ الْعُلَمَاءَ مِنْ شِيعَتِهِمْ، وَ عَلَّمَهُمُ الْكِتَابَ وَ السُّنَّةَ، وَ أَلْقُوا إِلَيْهِمْ
الْأَصُولَ، وَ فَوَّضُوا إِلَيْهِمُ التَّفْرِيعَ.

وَ صَلَوَاتُ اللهِ تَعَالَى وَ رَحْمَتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ، وَ اسْتَغْفَارُ رَسُولِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ عَلَى أَصْحَابِهِمْ وَ تَلَامِذَتِهِمُ الْمُقْتَصِصِينَ
آثَارِهِمْ، وَ السَّالِكِينَ سَبِيلَهُمْ، وَ الْمُهْتَدِينَ بِهَدَاهُمْ الَّذِينَ حَمَلُوا مَسْئَلَةَ الْهَدَايَةِ فِي حَالِكِ الْأَزْمَةِ الدَّامِيَةِ مِنْ
تَارِيخِ التَّشْيِيعِ، وَ رَفَعُوا لَوَاءَ الدِّينِ فِي ظُرُوفِ عَصِيَّةٍ وَ أَجْوَا قَاسِيَةٍ، وَ أَكْرَمَهُمُ اللهُ تَعَالَى بِأَنْ جَعَلَ مَدَادَهُمْ
أَفْضَلَ مِنْ دَمَاءِ الشُّهَدَاءِ، فَسَقَوْا بِأَمْطَارِ أَفْلَامِهِمْ شَجَرَةَ الدِّينِ وَ أَبْقَوْهَا طَرِيَّةً مُثْمِرَةً، وَ حَرَسُوا حَصُونِ
الْاجْتِهَادِ وَ الْفَقَاهَةِ.

هر علمی، در بدو ظهور و پیدایش، بسان نوزادی ناتوان است که در دامن پر مهر مادری
مهربان متولد شده و پیوسته تحت مراقبت وی قرار می‌گیرد تا در آینده‌ای طولانی و با
تلاش‌های مداوم والدین، جوانی قوی و نیرومند گردد.

علوم و دانش‌ها نیز، در آغاز، از مغز یک یا چند دانشمند بزرگ، به وسیله‌ی الهامات
غیبیه، تراوش نموده به وجود می‌آیند؛ آن‌گاه در بستر زمان، به دست توانای باغبانان
بزرگ باغ علم، قهرمانان نامی صحنه‌ی دانش و اندیشمندان بزرگ جهان آگاهی، پرورش

یافته و گام به گام، مراحل تکامل خود را طی می نمایند که البته برای ما انسان ها حدّ یقف نداشته و تا بی نهایت، این خطّ امتداد دارد.

علم شریف و فنّ ارزشمند اصول فقه نیز محکوم به همین قانون کلی است. این علم، از جمله ی علوم اسلامی بوده و در دامن پاک آئین آسمانی اسلام طلوع نموده و بنیان گذاران اصلی آن، پیشوایان معصوم شیعه، به ویژه امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - هستند که خود فرموده اند:

«علینا إلقاء الاصول و علیکم بالتفرع».

پس از ایشان، در طول تاریخ، این علم، به دست توانای محققان فرزانه و عالمان نام آور، سیر تکاملی خود را ادامه داده تا آن جا که ما امروز شاهد عالی ترین و درخشان ترین مراحل تعالی آن هستیم^۱:

دین مبین اسلام که اساسش بر توحید نفوس و رشد و تکامل جامعه ی انسانی استوار است برای اصلاح عقاید و تزکیه ی اخلاق و تنظیم آداب و حقوق انسان ها، تعالیم، دستورات و قوانینی آورده و به نحو اجمال و کلی بر قرآن کریم و فرامین پیشوایان دین مطرح کرده و توسط پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی معصومین - علیهم السلام - به مردم ابلاغ نموده است.

در این که شریعت اسلام مشتمل بر احکام الزامی می باشد یک امر ضروری و بدیهی است و احتیاج به استدلال ندارد و این احکام الزامی هم که شامل واجبات و محرمات الهی است، متکفل سعادت بشر و در جهت تأمین مصالح مادی و معنوی آن ها است، از طرفی همه ی أفعال اختیاری انسان از دیدگاه فقه اسلامی مشمول یکی از احکام تکلیفی پنج گانه است و بسیاری از این احکام و تکالیف دینی هم بدیهی و ضروری نیست بلکه اکتسابی و نظری است که برای اثبات آن ها باید به أدله ی شرعیّه از قبیل کتاب، سنّت،

اجماع و عقل مراجعه نمود و با دقت و نظر کارشناسانه در آن‌ها تأمل کرد. برای به دست آوردن احکام و استنباط دستورات شریعت اسلام از منابع یادشده نیاز به قواعد و مقرراتی است که تحت عنوان «اصول فقه» بیان گردیده است. علم اصول در واقع علم دستور استنباط است. که روش صحیح استنباط احکام شرعی از منابع فقه را بیان می‌کند و عناصر مشترکی که در عملیات استنباط و حکم شرعی به‌کار می‌آیند را مشخص می‌نماید. از این‌رو علم اصول مانند علم منطق یک علم دستوری است یعنی در این علم درباره‌ی یک سلسله «باید»ها سخن می‌رود نه درباره‌ی یک سلسله «است»ها.^۱

در ابتداء، اهمیت بحث و بررسی و تدقیق درباره‌ی عناصر تأثیرگذار در استنباط و عوامل اصلی و مشترک آن خیلی روشن نبود اما به تدریج، با وسعت پیدا کردن عملیات استنباط و تفکر فقهی، اهتمام به عناصر مشترک و پرداختن به مسائل اصولی به‌صورت مستقل پدید آمد و ضرورت آن به‌جای رسید که به عنوان علمی به قاعده، شکلی منطقی به خود گرفت و مستقل شناخته شد. ناگفته پیداست که این امری طبیعی است، زیرا هیچ علمی ناگهانی نمی‌شود بلکه حالت تدریجی دارد، چنان که گذشت، ابتداء به‌صورت یک سری اندیشه‌های پراکنده و ناپیوسته ظاهر می‌شود و کم‌کم به شکل مجموعه‌هایی منسجم و مرتبط درمی‌آید و سپس شکلی منطقی به خود می‌گیرد و با نظام‌واره‌ای معنادار در قالب یک علم بروز می‌نماید و به همین دلیل بعضی برای علم اصول فقه نیز دوره‌ی تولد، مرحله‌ی تحول و دوران اكمال تصویر و توصیف کرده‌اند.

علم اصول پدیده‌ای تفتنی نیست که به سبب تنوع فکری و مباحث صرفاً علمی ایجاد شده باشد بلکه نیاز طبیعی است که در مسیر دست‌رسی به احکام شرعی و وظایف مکلفین ضرورت یافته و برای انجام درست عملیات استنباط و طریقه‌ی فهم حکم شرعی، و استخراج آن از منابع و مصادر اسلامی ایجاد شده است. فقهاء متوجه شدند که در خلال

عملیات استنباط، یک‌سری عناصر مشترک وجود دارد که بدون آن‌ها استنباط ممکن نیست، بدین سان بحث مستقل از این عناصر مشترک مطرح شد و علم اصول فقه در دامان علم فقه ظهور یافت.^۱

لذا برای استنباط احکام شرعی از منابع آن نیازمند به علم اصول فقه هستیم، هدف علم اصول همین یاری رساندن به فقیه و مجتهد در راه استخراج احکام شرعی است. اگرچه غرض از علم اصول یعنی هدفی که با در نظر گرفتن آن، علم اصول را به وجود آورده‌اند خاص و مخصوص فقه و احکام شرعی است لیکن منفعت آن نسبتاً عام و عمومی است یعنی نه‌تنها فقیه از آن استفاده می‌کند بلکه هرکس با حکم و قانون سروکار دارد و در حقوق موضوعه مطالعه می‌کند از اصول فقه نیز بهره‌مند می‌شود و هر اندازه یک حقوق‌دان در اصول فقه آشنا باشد در استنباط مقاصد قانون‌گذار و حل و فصل قضایای حقوقی و وضع و رفع قانون نیرومندتر و ماهرتر می‌گردد.

در خاتمه امید آن که از آن بهره‌ای برنماید از ادعای خیر فراموش نفرماید و هرگونه کاستی و عیبی را کریمانه برخورد کند و با تذکرات مشفقانه‌ی خود حقیر را در اصلاح آن یاری فرماید.

و در آخر از من الاهی خدای متعال - جلّت و عظمته و عمّت نعمته - آرزومندم این بی‌بضاعت را کما شاء و اراد تأیید فرماید و اساتید، طلباب، قضات و وکلاء دانشجویان گرامی را از این کتاب نفعی عاید نماید. و امید این که از منافع برخوردار شوند و بیش از پیش خود را با حلیّه‌ی تقوی بیارایند.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ فِي الْبِدَايَةِ وَالْإِنْتِهَاءِ

وَالصَّلَاةُ عَلَى خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَتَمُّ الْهُدَى

هوشنگ گل محمدی - گروه فقه و حقوق